



جایگاه «حج»

در اندیشه اسلامی

سیدعلی قاضی عسکر

حج از دیرباز تاکنون از اهمیت ویژه‌ای در بین مسلمانان برخوردار بوده است، همه ساله صدها هزار مسلمان مشتاق از گوشه و کنار جهان، بسوی سرزمین مقدس مکه و مدینه حرکت کرده، با تمامی سختیها و مشقتها خود را به میقات می‌رسانند و لیبیک‌گویان آماده انجام فریضه حج می‌شوند.



از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «... ما من مَلِكٍ ولا سُوقَةٍ یصل الی الحج الا بمشقة فی تغییر مطعم او مشرب او ریح او شمس لا یستطیع ردّها و ذلك قوله عزّوجلّ: و تحمّل اثقالکم الی بلدٍ لم تکونوا بالیه الا یسقی الانفس انّ ربکم لرؤف رحیم»^۱.

«هیچ پادشاه و هیچ رعیتی به خانه خدا نمی‌رسد جز با مشقت و ناگواری در آب و غذا، و تحمل باد و توفان و تابش خورشید و این است معنای کلام خداوند عزّوجلّ که فرمود: چارپایان بارهای شما را بر پشت کشیده، به شهر می‌رسانند که اگر آنها نبودند شما جز با مشقت و جان‌کندن به مقصد نمی‌رسیدید همانا پروردگار شما رؤف و رحیم است.»

و نیز هشام ابن حکم از امام صادق (ع) نقل می‌کند که فرمود: «... و ما احد یبلغه حتی تناله المشقه». «هیچ‌کس بدون زحمت و مشقت به مکه نمی‌رسد.»^۲

در گذشته، طولانی بودن راه، نداشتن وسیله نقلیه مناسب و مطمئن، نبود امکانات رفاهی و درمانی، ناامنی و وجود سارقین مسلح ... همه و همه عواملی بودند که حجاج را با خطر مواجه می‌کردند. بسیاری از آنها در بین راه می‌مردند و هرگز به وطن باز نمی‌گشتند.

در سال ۴۰۲ گروهی از حجاج گرفتار توفان شدند، باد سیاهی بر آنها وزیدن گرفت، در نتیجه راه آب را گم کرده، عده زیادی از آنها مردند. در سال ۴۰۳، سارقین بیابانگرد، قبل از رسیدن کاروان به محل آب، در آنجا فرود آمده برخی از آبگیرها را پر کردند و در برخی حنظل ریخته، در کمین حجاج نشستند و پس از ورود، از آنان پول گزافی مطالبه کردند. عطش، زندگی را بر حاجیان تنگ نمود و نزدیک به ۱۵ هزار نفر از آنان مردند و تنها تعداد کمی نجات پیدا کردند.^۳

برخی «بنی خفاجه» را از حاجی آزارترین قبایل عرب در این دوران



دانسته، در باره آنها می‌گویند: تعدادی از حجاج را اسیر و آنان را وادار به چوپانی کردند، پس از گذشت دو سال، مأمورین دولتی توانستند حاجیان را از دست دزدان آزاد کنند.^۴

در سال ۴۰۵ از بیست هزار حاجی، تنها شش هزار نفر زنده ماندند و بر افراد باقیمانده نیز بحدی شرایط سخت شد که شتران سواری و مورد نیاز خود را کشته از گوشت آنها برای رفع گرسنگی استفاده کردند. گاهی اوقات حاجیان، گرفتار سیل و خشم طبیعت می‌شدند چنانکه در سال ۳۴۹ وقتی حجاج مصر به کشورشان باز می‌گشتند شب هنگام، سیل عظیمی آمد و بسیاری از آنان غرق شدند، آب جنازه‌ها و اثاثیه‌شان را به دریا برد.^۵

با توجه به دوری راه و خطرات گوناگونی که بر سر راه حاجیان وجود داشت آنان که جان سالم بدر برده، و به سلامت برمی‌گشتند با عزت و تکریم فراوان به شهر و روستای خویش وارد می‌شدند، و مردم از آنها تجلیل فراوان می‌کردند.

در باره حاجیان بغدادی نوشته‌اند که هنگام ورود در «یاسریه» (حومه بغداد) شب را می‌خوابیدند و صبح هنگام وارد شهر می‌شدند تا مردم بتوانند از آنها بخوبی استقبال کنند.

حجاج شرق نیز که از بغداد به وطن خود بازمی‌گشتند در این شهر از طرف شخص خلیفه مورد استقبال قرار می‌گرفتند.^۶

لیکن در برابر این همه ارزش و عظمت، معاندین با اسلام و عناصر نادان و متحجر، با تبلیغات مسموم خود در طول تاریخ، تلاش کرده‌اند تا از اهمیت و نقش عظیم حج بکاهند و مردم را نسبت به این فریضه مهم بی‌رغبت کنند.

ابراهیم بن میمون برای امام صادق (ع) نقل کرده و می‌گوید: در حضور ابوحنیفه نشسته بودم مردی آمد و از او پرسید: کسی که حج واجب

را انجام داده، آیا باز هم اگر به حج برود، بهتر است یا آنکه با هزینه حج، بنده‌ای خریده او را در راه خدا آزاد کند؟ ابوحنیفه پاسخ داده بود: آزاد کردن بنده بهتر است!

امام صادق(ع) پس از نقل این مطلب فرمودند: به خدا سوگند که ابوحنیفه دروغ گفته و فتوای ناحق داده است، به خدا سوگند که حج خانه خدا بهتر است از خریدن و آزاد کردن یک بنده و بنده دیگر تا برسد به ده بنده، سپس فرمود وای بر ابوحنیفه، آزاد کردن کدام بنده به طواف کعبه و سعی صفا و مروه و فیض عرفه و سرتراشیدن و رمی جمرات خواهد رسید؟ اگر آنگونه که ابوحنیفه گفته، باشد (و این مطلب شهرت پیدا کند) مردم حج خانه خدا را تعطیل خواهند کرد.^۷

در حدیثی دیگر عمر بن یزید می‌گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می‌فرمود: «حج از آزاد نمودن ده برده بالاتر است و شمرند تا به هفتاد بنده رسید سپس فرمود یک طواف و دو رکعت نمازش از یک بنده آزاد کردن بالاتر است».^۸

از برخی روایات استفاده می‌شود که در آن زمان بر اثر تبلیغات غلط، این اندیشه در اذهان تعدادی از متدینین نیز نفوذ کرده بود.

سعید سمان می‌گوید: من همه ساله به حج مشرف می‌شدم در یک سالی که مردم دچار قحطی و سختی شدند یاران من گفتند: اگر امسال هزینه سفر را در راه خدا صدقه دهی از حج افضل و برتر است. من به آنها گفتم شما مطمئن هستید؟ گفتند آری، من هم هزینه سفر حج را به مستمندان داده و آن سال در خانه ماندم، لیکن در شب عرفه خوابی دیدم که در نتیجه از کار خود پشیمان شده و با خود گفتم از این پس به سخن کسی گوش فرا نمی‌دهم و حج خانه خدا را ترک نمی‌گویم... سال بعد به حج رفته و در منی خدمت امام صادق(ع) رسیدم و داستان خود را شرح



دادم، حضرت پس از بیان مطالبی سه مرتبه فرمود: «وَأَنَّى لَهُ مِثْلَ الْحَجِّ؟»^۹ انسان با کدام طاعت دیگر می‌خواهد به پاداش حج دست یابد؟...^۹
این مسأله بحدی در جامعه جدی شد که برخی به خود اجازه داده رسماً به امامان شیعه اعتراض می‌کردند:

ابوحزمه ثمالی نقل می‌کند که شخصی به امام سجاد(ع) گفت: شما جهاد در راه خدا را که کاری مشکل و سخت است رها کرده و حج را که کاری ساده و آسان است انتخاب کرده‌اید؟

راوی می‌گوید امام در آن هنگام تکیه داده بودند، یک مرتبه نشستند و به آن شخص فرمودند: وای بر تو آیا آن مطلبی که رسول خدا(ص) در حجة الوداع فرمود به تو نرسیده است؟ پیامبر(ص) هنگام وقوف به عرفه و در حالی که خورشید غروب می‌کرد به بلال فرمودند تا از مردم بخواهد ساکت شوند، آنگاه که مردم سکوت کردند فرمود: خداوند، امروز شما را مورد عنایت قرار داده، نیکوکاران را آمرزید و شفاعت نیکوکاران را در حق گنهکاران پذیرفت، پس با آمرزش گناهان کوچ کنید، و از برای آنان که جرمهایی دارند خشنودی خود را ضمانت کرد.^{۱۰}

برخی از قصه پردازان نیز در دامن زدن به این طرز تفکر سهیم بوده‌اند؛ عبدالرحمن ابی عبدالله می‌گوید به امام صادق(ع) عرض کردم عده‌ای از قضاص می‌گویند اگر کسی حج واجب را انجام داده و پس از آن بجای رفتن به حج، صدقه بدهد برای او بهتر است. امام فرمودند: «دروغ گفته‌اند! اگر مردم چنین کنند این بیت تعطیل خواهد شد و حال آنکه خداوند عزوجل این خانه را وسیله قیام برای مردم قرار داده است».^{۱۱}

پس از آنکه بنی‌امیه، پایه‌های حکومت خویش را تحکیم بخشیده، بر مردم مسلط شدند، با یک برنامه حساب شده مسجد جامع اموی را در دمشق بنا کردند تا مردم را از مدینه منوره و مکه مکرمه منحرف نموده، به

آنجا متوجه کنند و بلکه به جای کعبه معظمه به حج آن وادار سازند.^{۱۲}

عبدالملک بن مروان نیز مردم شام را از رفتن به حج باز می‌داشت، مردم به فریاد آمده، به وی گفتند: ما را از حج و زیارت بیت‌الله‌الحرام که یک واجب شرعی است باز می‌داری؟ پاسخ داد محمد بن شهاب زهری از رسول خدا(ص) نقل کرده که آن حضرت فرموده است: بار سفر، بسته نمی‌شود مگر بسوی سه مسجد: «مسجدالحرام»، «مسجد من» و «مسجد بیت‌المقدس»، سپس گفت: بیت‌المقدس برای شما به جای مسجدالحرام است و این سنگی که بر حسب روایت، چون پیامبر(ص) می‌خواست به معراج رود پای خود را بر روی آن گذاشت، برای شما به جای کعبه است، آنگاه بر آن صخره، قبه‌ای بنا کرد و پرده‌های دلبیا بر آن آویخت و خدمتگزارانی نیز برای آن قرار داده و از مردم خواست همان‌گونه که پیرامون کعبه طواف می‌کنند برگرد آن بنا طواف نمایند. و در روز عید، قربانی کرده، سر خود را بتراشند این رسم در دوران بنی‌امیه برقرار بود.^{۱۳}

ناصر خسرو پیرامون حوادث قرن پنجم می‌نویسد: گروهی از اهل شام در موسم حج به قدس آمده مراسمی داشته، گوسفند قربانی می‌کنند و گاهی در یک سال بیش از ۲۰ هزار نفر آنجا حاضر می‌شوند...^{۱۴}

حجاج بن یوسف ثقفی که از کارگزاران سقاک و مشهور این دوران است از زائرین قبر رسول خدا(ص) می‌خواست به جای قبر پیامبر(ص) گرداگرد قصر عبدالملک طواف کنند.^{۱۵}

متوکل، خلیفه عباسی نیز برای شکستن حرمت حج و بی‌اعتبار ساختن آن در جامعه، بنایی در سامرا شبیه کعبه ساخت و در نزدیکی آن، سرزمینهایی را به نام‌های منا و عرفات و... نامگذاری کرد و آنگاه که امیران او درخواست رفتن به حج داشتند به آنان پیشنهاد می‌کرد در همین جا حج گذارده، طواف کنند.^{۱۶}



در همین دوران نیز تعدادی از صوفیه با ایجاد انحراف در اذهان عمومی، مردم را از رفتن به حج برحذر داشته، به کاری دیگر ترغیب می‌کردند. یکی از آنان به مریدی از مریدانش می‌گوید: «به جای رفتن به مکه، به خانه‌ات برگرد و به مادرت خدمت کن.»^{۱۷}

ابو حیان توحیدی متکلم معتزلی مشرب، کتابی نوشته بنام «الحج العقلی اذا ضاق الفضاء عن الحج الشرعی» در آن کتاب نقل می‌کند:

نظام الملک وزیر ملک‌شاه، عازم حج شد، چون در کنار دجله خیمه زد فقیری که سیمای صوفیان داشت به چادر وزیر آمده نامه‌ای در بسته را به او داد. وقتی وزیر نامه را گشود در آن نوشته شده بود که: پیامبر (ص) را به خواب دیدم فرمود برو به حسن (نظام الملک) بگویی چرا به مکه می‌روی؟ حج تو همین جاست مگر ترا امر نکرده بودیم که پیش این ترک (ملک‌شاه) بایستی حاجتمندان امت را یاری کنی؟ نظام الملک پس از خواندن این نامه از حج منصرف گشته به شهر خویش مراجعت کرد!^{۱۸}

در قرن اخیر نیز پاره‌ای از به اصطلاح روشنفکران غریزه و دل به دنیای دیگران بسته، در صدد برآمدن با استفاده از شعر، قصه و داستان و طنز و غیره از ارزش حج کاسته آن را در اذهان عمومی، عملی غیر مهم جلوه دهند. گاهی می‌گفتند اگر حاجی به جای رفتن به مکه و طواف خانه خدا پول آن را خرج مستمندان و فقیران جامعه بنماید ارزش بیشتری دارد، گاهی می‌گفتند، چرا پول و ارزی که با این زحمت بدست آمده است را در اختیار اعراب قرار داده به حلقوم آنان بریزیم ...

لیکن برخلاف اینگونه حرکتها که از دیرزمان آغاز و تا عصر ما نیز ادامه یافته، ائمه معصومین (ع) کوشیده‌اند این تفکر را تخطئه و مردم را از برکات و ثمرات عظیم حج آگاه سازند.

معاویه بن عمار از امام صادق (ع) نقل می‌کند که حضرت فرمود:

هنگامی که رسول خدا (ص) از عرفات کوچ نمود در «ابطح» یکی از اعراب بیابانی به حضور آن حضرت شرفیاب شده، عرضه داشت: من مردی ثروتمندم، قصد حج داشتم هنگام حرکت مانعی پیش آمد و نتوانستم به حج مشرف شوم حال شما امر فرماید من با این مال کار نیکی انجام دهم که ثواب حج را درک کنم!

حضرت بسوی کوه ابوقبیس رو کرد و فرمود: «اگر به مقدار این کوه طلای سرخ داشته باشی و همه را در راه خدا انفاق کنی به ثواب و بهره‌ای که حاجیان رسیده‌اند نخواهی رسید».^{۱۹}

باز عمر بن یزید می‌گوید که از امام صادق شنیدم که می‌فرمود: حج از هفتاد بنده آزاد کردن ارزشش بالاتر است، پرسید: «ما یعدل الحج شیء؟» قال: «ما یعدله شیء» آیا ارزش چیزی با حج برابری می‌کند؟ فرمود: چیزی با او برابری نمی‌کند.^{۲۰}

در روایت دیگر آمده است: نماز واجب ارزشش از بیست حج بالاتر است و حج از خانه پر از طلائی که انسان تمامی آنرا در راه خدا انفاق کند ثواب و ارزشش بالاتر است.^{۲۱}

همچنین از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود: «... لیس شیء افضل من الحج الا الصلوة و فی الحج هیئنا صلوة و لیس فی الصلوة قبلکم حج...» مرحوم صدوق، نکته لطیفی در تبیین این روایت و روایات مشابه آن دارد، می‌فرماید: اگر نماز واجب را به تنهایی با حج مقایسه کنیم نماز واجب از بیست حج منهای نماز، ارزشش بالاتر است، لیکن حجبی که در آن نماز هم هست از نماز به تنهایی افضل است.^{۲۲}

در روایت دیگری حج از نماز و روزه افضل و بالاتر دانسته شده است.^{۲۳}

جالب توجه است که بدانیم در برخی اوقات حج از جهاد در راه خدا



نیز افضل و برتر شمرده شده است.

محمد بن عبدالله می‌گوید: به امام رضا (ع) عرض کردم: پدرم برای من نقل کرده که به اجداد شما - علیهم‌السلام - گفته شده در همسایگی ما شهری به نام قزوین وجود دارد که پایگاه مرزی است و در برابر آنان دشمنی بنام «ذئلم» وجود دارد آیا اجازه می‌دهید که با دشمن جهاد نموده و یا در حال آماده باش دفاعی باشیم؟ و اجداد شما پاسخ داده‌اند که «علیکم بهذا البیت و حجوه» بر شما باد که راه مکه را در پیش گرفته و خانه خدا را زیارت کنید.

پدرم سه مرتبه این مطلب را تکرار کرده و همان پاسخ را شنیده است و در آخرین مرتبه آباء بزرگوار شما این سخن را نیز افزوده‌اند که: «آیا شیعه ما رضایت نمی‌دهد که در خانه خود بنشینند و دارائی خود را برای اهل و عیال خود خرج کرده و منتظر فرمان ما بمانند؟...» در پایان می‌پرسد آیا این حدیث که نقل شده صحیح است؟ امام رضا (ع) فرمودند: آری صحیح است و سخن حق همان است که بازگو کرده است.^{۲۴}

تأکید ائمه معصومین (ع) بر این بوده که از عظمت حج کاسته نشود و همیشه این مراسم عظیم عبادی سیاسی با شکوه هر چه تمامتر برگزار گردد، لذا از هر فرصتی استفاده کرده و مردم را به انجام حج ترغیب می‌فرموده‌اند:

عذافر می‌گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: چه چیز مانع شده که همه ساله به حج نروی؟ گفتم: فدایت گردم، زن و فرزند! می‌گوید امام صادق (ع) به من فرمود هنگامی که از دار دنیا رفتی چه کسی آنها را اداره می‌کند؟ به همسر و فرزندان سرکه و زیتون بخوران و با مازاد آن همه ساله به حج مشرف شو.^{۲۵}

امام صادق (ع) با افراد دیگری نیز، همین برخورد را داشته‌اند. عیسی

بن ابی منصور می‌گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: ای عیسی اگر می‌توانی نان را با نمک بخوری و همه ساله به حج بروی این کار را بکن.^{۲۶}

ترغیب و تشویق مردم بحدی است که امام صادق(ع) می‌فرماید: «لیس فی ترک الحج خیره» برای ترک حج، استخاره جایز نیست و حتی برای نرفتن به حج نباید مشورت کرد.

اسحاق بن عمار می‌گوید به امام صادق(ع) گفتم: مردی ضعیف الحال با من در مورد حج مشورت کرد به او گفتم حج نرود آنگاه امام فرمود: «ما اخلفک ان تمرض سنه» و اسحاق بن عمار می‌گوید یک سال پس از آن مریض بودم.^{۲۷}

یکی از شرایط انجام حج استطاعت مالی است لیکن در روایات حتی کسانی که مستطیع هم نیستند برای انجام این فریضه الهی تشویق شده‌اند. معاویه بن وهب از افراد مختلفی نقل می‌کند که به امام صادق(ع) گفته‌اند ما مقروض هستیم آیا پول قرض کرده و حج انجام دهیم؟ امام فرموده‌اند: آری [حج وسیله خواهد بود که] دین او زودتر ادا شود.^{۲۸}

در پاره‌ای از روایات از تجار خواسته شده تا در طول سال مقداری از سود حاصله از تجارت را برای حج کنار گذاشته از آن برای انجام فریضه حج استفاده نمایند.^{۲۹}

عیسی بن ابی منصور می‌گوید: امام صادق(ع) به من فرمود: ای عیسی دوست می‌دارم خداوند در فاصله بین حج گذشته و آینده همیشه تو را در حالتی ببیند که برای حج [آینده] آماده می‌شوی.^{۳۰}

امامان معصوم(ع) تنها به تشویق و ترغیب مردم بسنده نکرده، کسانی را که خانه خدا را ترک نموده تنها بگذارند به هلاکت و نابودی تهدید کرده‌اند:



علی بن ابیطالب (ع) در واپسین لحظات زندگی به فرزندانش وصیت کرده می‌فرماید:

«اللّٰهُ اللهُ فِي بَيْتِ رَبِّكُمْ لَا تَخْلُوهُ مَا بَقِيتُمْ فَانَهُ ان تَرَكَ لَمْ تَنَظُرُوا».

«فرزندانم تا زنده هستید حج خانه خدا را ترک نکنید که در چنین صورتی مهلت داده نخواهید شد.»^{۳۱}

و بالاخره اگر با این همه تشویق، مسلمانان به حج خانه خدا بی توجهی کنند بر حاکم اسلامی واجب است تا مردم را برای رفتن به حج مجبور نماید.

عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:
«اگر مردم خانه خدا را متروک بگذارند بر امام زمان [حکومت اسلامی] واجب است آنان را به زیارت حج مجبور کند، چه بخواهند چه نخواهند، چرا که خانه خدا برای حج و زیارت برپا شده است.»^{۳۲}

اهمیت این امر جدی است که اگر مردم هزینه سفر هم نداشته باشند، باید از بودجه حکومت اسلامی مخارج سفر آنان تأمین و به حج اعزام شوند. «... فان لم یکن لهم اموال انفق علیهم من بیت مال المسلمین...»^{۳۳}

در قرآن کریم نیز تارکین حج مورد تهدید جدی قرار گرفته‌اند... «و من کفر فانّ الله غنی عن العالمین.»^{۳۴}

امید آنکه این مراسم عظیم دینی هر سال پرشکوهتر از گذشته برگزار و مسلمانان جهان بتوانند در تحقق حج ابراهیمی که امام راحل و فقیدمان حضرت امام خمینی - قدس سره - برای اقامه آن تلاش فراوان فرمود بیش از پیش موفق گردند.

پاورقی‌ها:

- ١- نورالثقلین، ج ٣، ص ٤١، ح ١٥.
- ٢- وسائل، ج ١١، ص ١١٢.
- ٣- تمدن اسلامی، ج ٢، ص ٣٥٧.
- ٤- همان.
- ٥- همان.
- ٦- همان.
- ٧- فروع کافی، ج ٤، ص ٢٥٩.
- ٨- ثواب الاعمال، ج ١، ص ١١٣.
- ٩- فروع کافی، ج ٤، ص ٢٥٧.
- ١٠- ثواب الاعمال، ج ١، ص ١١١.
- ١١- وسائل، ج ١١، ص ٢٢.
- ١٢- سفرنامه حج، لطف الله صافی، ص ٥٢.
- ١٣- تاریخ یعقوبی، ج ٢، ص ١٦١.
- ١٤- همان، ص ٣٥٧.
- ١٥- الصحيح من سیرة النبی (ص)، ج ١، ص ٢١.
- ١٦- تمدن اسلامی، ج ٢، ص ٣٥٨.
- ١٧- همان.
- ١٨- همان.
- ١٩- فروع کافی، ج ٤، ص ٢٥٨.
- ٢٠- وسائل، ج ١١، ص ١١١.
- ٢١- همان، ص ١١٢.
- ٢٢- همان.
- ٢٣- همان، حدیث ١٤٣٧٤.
- ٢٤- فروع کافی، ج ٤، ص ٢٦٠.
- ٢٥- وسائل، ج ١١، ص ١٣٤.
- ٢٦- همان، ج ١١، ص ١٣٥.
- ٢٧- فروع کافی، ج ٤، ص ٢٧١.
- ٢٨- وسائل، ج ١١، ص ١٤٠.
- ٢٩- همان، ص ١٤٣.
- ٣٠- همان، ص ١٥٠.
- ٣١- نهج البلاغه.
- ٣٢- فروع کافی، ج ٤، ص ٢٧٢.
- ٣٣- همان.
- ٣٤- آل عمران: ٩٧.

